Critical Discourse Analysis of Surah Tahrim Based on Norman Fairclough's Approach

Reyhaneh Sadat Hashemi[1]

Abstract

Critical discourse analysis is a new approach to examining the discourse process at different levels of description, interpretation, and analysis, and Surah Al-Tahrir has been examined in this article based on Norman Fairclough's theory. At the level of description, various semantic relationships indicate that divine laws must be applied within their own framework and failure to do so results in a divine warning. Analysis at the level of interpretation indicates that the wives of the Prophet Muhammad (peace be upon him) harassed him in an issue that God warned them about and, considering the social role of the Prophet (peace be upon him), pointed out the consequences of any misconduct by the wives, regardless of their relative relationship with the Prophet (peace be upon him). At the level of explanation, the impact of power relations on the strata of society and the impact of official discourse and power relations on the future of society are highlighted. This article is written in a library style based on sociological, exegetical, and hadith sources and states that divine power in this world and the hereafter is superior to the power of rulers and people, and they must act according to divine laws so that the discourse of power in society can provide the means for implementing Islamic values and the future of society and the hereafter of individuals can be organized in a solid structure and not be affected by side effects.

Keywords: Critical discourse, Surah Tahrir, Norman Fairclough.

1. Assistant Professor, Department of Theology and Philosophy, at the Institute of Rahpooyan Sayyed al-Shohada (as)
Email: rey.hashemi@gmail.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

تحلیل گفتمان انتقادی سوره تحریم بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف

ریحانه سادات هاشمی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵)

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی نوین در جهت بررسی فرایند گفتمان در سطوح مختلف توصیف، تفسیر و تحلیل است که سوره تحریم در این مقاله بر اساس نظریه نورمن فرکلاف مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح توصیف، انواع روابط معنایی بیانگر آن است که قوانین الهی باید در چارچوب خود اعمال شود و کوتاهی در این زمینه، هشدار الهی را در پی دارد. تحلیل در سطح تفسیر بیانگر آن است که همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسئله‌ای به آزار وی پرداختند که خداوند در این زمینه به آنان هشدار داده و با توجه به نقش اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله، عواقب هرگونه سوء رفتار همسران را بدون در نظر گرفتن رابطه نسبی آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله، گوشزد کرده است. در سطح تبیین، تأثیر مناسبات قدرت بر اقشار جامعه و تأثیر گفتمان رسمی و مناسبات قدرت در آینده جامعه خاطرنشان شده است. این مقاله بر اساس منابع جامعه‌شناسی، تفسیری و حدیثی با شیوه کتابخانه‌ای نگاشته شده و بیانگر آن است که قدرت الهی در دنیا و آخرت بر قدرت حاکمان و مردم برتری داشته و آنان باید بر اساس قوانین الهی عمل کنند تا گفتمان قدرت در جامعه موجبات اجرایی شدن ارزش‌های اسلامی را فراهم آورده و آینده جامعه و آخرت افراد در ساختاری مستحکم سامان یابد و از اثرات جانبی متأثر نگردد.

واژگان کلیدی: گفتمان انتقادی، سوره تحریم، نورمن فرکلاف.

---

۱. استادیار گروه کلام و فلسفه مؤسسه رهپویان سید الشهداء علیه السلام

رایانامه: rey.hashemi@gmail.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

مقدمه

گفتمان در لغت به معنای گفت‌وگو و مباحثه است (معین، ۱۳۸۶ش، ذیل واژه). در اصطلاح، «تحلیل گفتمان یا گفتمان‌کاوی، ایجاد ساز و کار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته یا متن با کارکردهای فکری- اجتماعی است» (یارمحمدی، ۱۳۸۳ش، ۷۲). فرکلاف مراد از گفتمان را کاربرد زبان در لابه‌لای روابط و فرایندهای اجتماعی به صورت محصورشده می‌داند؛ روابط و فرایندهایی که به نحوی نظام‌مند، گوناگونی‌های زبانی را رقم می‌زنند که از جمله آن‌ها صورت‌های زبانی است که در متن ظاهر می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۹۶).

وی در تحلیل انتقادی گفتمان معتقد است که تحلیل دقیق متن باید به جزئی مهم از تحلیل‌های علمی اجتماعی کل اعمال و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود (همان، ۱۱۸). ویژگی‌های صوری متن دارای ارزش تجربی، رابطه‌ای، بیانی، پیوندی یا ترکیبی از این‌ها هستند که وی آن‌ها را به سه جنبه عمل اجتماعی و تأثیرات ساختاری آنها پیوند زده که ممکن است توسط قدرت محدود شوند. هرچند نمی‌توان از طریق ویژگی‌های صوری متن مستقیماً با این تأثیرات ساختاری بر شالوده جامعه دست یافت؛ به این دلیل که نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است (همان، ۲۱۳-۲۱۴).

این رابطه بیشتر توسط گفتمان برقرار می‌شود که متن بخشی از آن است؛ زیرا ارزش ویژگی‌های متنی تنها با واقع‌شدن در تعامل اجتماعی جنبه واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی عملی می‌شود. در مرحله دوم یعنی تفسیر، متون بر اساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) تولید و تفسیر می‌شوند که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند. واسطه دیگر رابطه متن و ساختارهای اجتماعی، زمینه اجتماعی گفتمان است؛ زیرا گفتمان‌هایی که در آنها چنین ارزش‌هایی نهفته است، به عنوان بخش‌هایی از فرایندهای نهادی و اجتماعی مبارزه و به سبب وجود پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم در گفتمان، جنبه واقعی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

به خود می‌گیرند و از نظر اجتماعی عملی می‌شوند. رابطه گفتمان با فرایندهای مبارزه و مناسبات قدرت، مرحله سوم یعنی تبیین را تشکیل می‌دهد (همان، ۲۱۳-۲۱۴). از طریق بررسی این سه مرحله در سوره‌های قرآنی می‌توان گفتمان انتقادی آن سوره را به دست آورد. در این تحقیق، گفتمان انتقادی سوره تحریم در سطوح مختلف توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

در راستای بررسی سوره و داستان‌های قرآنی، چندین پژوهش پیرامون تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است؛ از جمله پایان‌نامه‌های «تحلیل گفتمان انتقادی در سوره نمل بر اساس نظریه نورمن فرکلاف» تألیف رشا رشید مجید هدو؛ «تحلیل گفتمان داستان‌های سوره کهف بر اساس الگوی تحلیلی نورمن فرکلاف» نوشته مریم قاسمی و «تحلیل گفتمان انتقادی سوره آل‌عمران بر طبق نظریه نورمن فرکلاف» نگاشته عارفه مزید؛ همچنین «بررسی داستان حضرت مریم سلام الله علیها در قرآن کریم بر اساس نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف» نوشته نفیسه عقدایی است که هیچ‌کدام از این پایان‌نامه‌ها پیرامون سوره تحریم نوشته نشده است.

مقالاتی که در این راستا نگاشته شده عبارت‌اند از: «تحلیل گفتمان سوره مبارکه ضحی بر اساس دیدگاه نورمن فرکلاف» نوشته فریبا صدارت و علی اسودی؛ «تحلیل گفتمان انتقادی سوره قصص بر اساس نورمن فرکلاف» نگاشته سید حسین سیدی و وفاء محفوظی موسوی؛ «بررسی قصه یوسف علیه السلام بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف» تألیف مهین حاجی‌زاده و رعنا فرهادی؛ «تحلیل گفتمان انتقادی داستان حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم (بر اساس الگوی نورمن فرکلاف)» به نویسندگی پیمان صالحی و طاهره افشار و «تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بر اساس داستان سلیمان» نوشته ماندانا علیمی و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

محمدمهدی نادری که در هیچ‌یک از این مقالات پیرامون سوره تحریم بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تحقیقاتی صورت نگرفته است.

چارچوب کلی سوره تحریم

سوره تحریم شامل گفتمانی اجتماعی است که مباحث خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله را در سطح قدرت حاکمیت مطرح کرده و آن را به کل جامعه اسلامی بسط داده و اطاعت از رهبری را در تمامی سطوح واجب شمرده است. پیامبر صلی الله علیه و آله برای رضایت یکی از همسرانش با قسم، امر حلالی را بر خود حرام کرد، ولی خداوند او را مکلف به گشودن این قسم کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۲۹/۱۹). بر اساس یکی از شأن نزول‌ها، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از همسرانش (ماریه) را در اتاق همسر دیگرش (حفصه) جای داد و برای اینکه او این قضیه را به کسی نگوید، یکی از اسرارش را با وی در میان گذاشت و در مقابل از او خواست که این سر را با کسی در میان نگذارد، ولی او این راز را با همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله (عایشه) در میان گذاشت. خداوند افشای سر همسر پیامبر را به نبی اکرم صلی الله علیه و آله اطلاع داده و از توطئه همسران وی خبر می‌دهد و بدان‌ها به دلیل انحراف قلبی‌شان هشدار داده و حمایت همه‌جانبه از پیامبر صلی الله علیه و آله را اعلام می‌کند و به آنان هشدار می‌دهد که در صورت توبه نکردن، همسران بهتری به جای آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله عنایت خواهد کرد. بر اساس شأن نزولی دیگر، دعوا بر سر عسلی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل یکی از همسرانش خورده بود و همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره اظهار ناراحتی کرده بود، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله خوردن این عسل را بر خود حرام کرد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴۷۱/۱۰).

خداوند از تمامی ابزارهای قدرت در حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله بهره برده و توطئه علیه رهبری را به جزایی غیر قابل عذرخواهی وعده داده است. در مقابل،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

از خطای مؤمنان توبه‌کار گذشته و به آنان وعده آمرزش و ورود به بهشت را داده است. برای تمثیل خطای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد، به دو زن خیانت‌کار از همسران پیامبران صالح (نوح و لوط علیهما السلام) اشاره کرده که همسری پیامبران برای آنان سودی نداشته و داخل آتش می‌شوند و در مقابل به دو زن نمونه اشاره کرده که شامل (آسیه) همسر فرعون به دلیل مقابله با فرعون و حضرت مریم سلام الله علیها به دلیل پاک‌دامنی است که شایسته ورود به بهشت هستند.

۱. تحلیل در سطح توصیف

در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، توصیف پیش‌فرض تفسیر است (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۱۶۸). در این بخش، ساختار نحوی و متن مطرح است که زمینه‌های تحلیل را در گفتمان فراهم می‌سازد. روابط معنایی شامل هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی است که بین کلمات و سطح لایه واژگانی مطرح است. لایه واژگانی شامل بررسی بلاغت، نوع ضمایر سطح دستوری متن است و سطح دستوری متن شامل جملات معلوم و مجهول، مثبت و منفی، وجوه مختلف جمله، نوع جملات و ارتباط آن‌هاست (همان، ۱۶۷–۲۱۱) که در این بخش به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۱. انواع روابط معنایی

در این بخش روابط معنایی بررسی می‌شود که شامل هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی بین کلمات آیات سوره تحریم است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۱-۱-۱. شمول معنایی

شمول معنایی نوعی رابطه میان دو واژه است، به گونه‌ای که معنای یکی از آن‌ها از چنان گستره‌ای برخوردار است که معنای واژه دیگر را نیز در بر می‌گیرد (پارسایی، ۱۳۹۱ش، ۵).

شمول معنایی بین عبارات «مَا أَحَلَّ اللهُ» و «قَدْ فَرَضَ اللهُ» در آیات (تحریم، ۲-۱) دیده می‌شود. «حلّ» به معنای برداشتن عقد و حرمت است و دلیل این معنا این است که در آیات (بقره، ۲۷۵؛ مائده، ۸۷؛ تحریم، ۱؛ توبه، ۳۷؛ نحل، ۱۱۶) «حلیت» در مقابل تحریم آمده است. «حلّ» رفع ممنوعیت است؛ بنابراین حلیت اعم از وجوب است؛ یعنی انجام آن ممنوعیتی ندارد و راه عمل کردن به آن باز است. ولی «فرض» به معنای اندازه‌گیری همراه با معین کردن مقدار آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۳۱۷/۲-۳۱۸) که انجام میزانی از آن واجب است. در اینجا خداوند متعال با عبارت «فرض»، برداشتن محدودیت‌هایی را واجب می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله با قسم بر خود بار کرده بود.

در آیه «وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ» (تحریم، ۳) دو واژه «حدیث» و «نبأ» آمده که حدیث به معنای هر خبری، اعم از کم و زیاد است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۲۷۸/۱) و هر آن چیزی است که از هر مقوله‌ای نقل می‌شود، ولی در حدیث از جهت تجدد و خبر فقط از جهت خبر دادن گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۲۰۶/۲-۲۰۸). در مورد بیان پیامبر صلی الله علیه و آله، عبارت «حَدِيثًا» آمده که بیان کلامی جدید از پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی اظهار آن در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله «نَبَّأَتْ بِهِ» آمده و «نبأ» بیان روایتی بدون تحقیق و دقت است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۳۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۶/۳) که عملکرد نادرست همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را در بیان خبر می‌رساند که نباید این خبر به دیگران گزارش می‌شد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

در آیه (تحریم، ۵) در مورد همسران شایسته پیامبر صلی الله علیه و آله صفات «مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ» به کار رفته است که بر اساس آیات، اسلام اعم از ایمان است. ایمان به معنای تصدیق است، ولی اسلام به معنای اظهار خضوع و قبول نسبت به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده و با اسلام خون مسلمان حفظ می‌شود؛ بنابراین چنانچه فردی شریعت را قبول کرد برای اینکه امور ناخوشایندی را از خود دور کند، او در ظاهر مسلمان است ولی باطن او تصدیق‌کننده نیست، هرچند حکم او در ظاهر حکم سایر مسلمانان است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۳۶۸/۱۵-۳۶۹)؛ بنابراین هر مؤمنی مسلمان است، اما هر مسلمانی مؤمن نیست.

دو واژه «أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ» در آیه (تحریم، ۶) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» کنار هم آمده‌اند تا هر دو شامل حفاظت از آتش جهنم شوند. نفس انسان به معنای عین است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۶۴۷) و حفاظت «نفس» از آتش به این جهت است که نفس انسان شامل شخص انسان از جهت معنوی، روحی، بدنی و ظاهری می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۲۱۹/۱۲) و اهل از جهت نسب و اختصاص است که نزدیکان فرد را از جهت نسبی و اختصاص به یک شهر یا قشر خاص در بر می‌گیرد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۲۷۵)؛ بنابراین فرد هنگام حفاظت خود از آتش، موظف است خانواده خویش را نیز حفاظت کند. این آیه جنبه عمومیت بعد از تخصیص دارد؛ زیرا خداوند با بیانی خصوصی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را ادب آموخته، سپس خطاب را برای حفاظت از جهنم متوجه همه مؤمنین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۳۵/۱۹).

شمول معنایی در مورد نافرمانی نکردن و اطاعت امر در آیه (تحریم، ۶) در مورد ملائکه «لَا يَعْصُونَ اللهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»، می‌رساند که هر دو یک مطلب را تکرار می‌کنند؛ زیرا بیان نافرمانی، نشانگر اطاعت است که بیانگر تأکید اطاعت ملائکه از دستورات الهی است (درویش، ۱۴۱۵ق، ۱۴۰/۱۰).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

«الله» اعم از «رب» است که در آیه (تحریم، ۸) آمده است: «يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا... يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا». «الله» دربردارنده جمیع کمالات است، اما «رب» جلوه ربوبیت پروردگار هستی است که تدبیر تمامی امور عالم را در دست دارد و اطلاق صفت «رب» جز بر خداوند متعال نیکو نیست (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۱۸۱)؛ بنابراین شمول معنایی «الله»، واژه «رب» را نیز در برمی‌گیرد و «رب» اصلاح‌کننده هر چیزی است و به همین دلیل خداوند «رب» است که هر چیزی را اصلاح می‌کند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۳۸۲/۲).

همراهی نور برای مؤمنان در آیه «وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ» (تحریم، ۸) آمده که «بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» اعم از «بِأَيْمَانِهِمْ» است؛ زیرا اصطلاح «بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» شامل سمت راست و چپ انسان می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۴۸۹/۱) که غالب اوقات از آن پیش رو اراده می‌شود، ولی در آیه (تحریم، ۸)، هر دو عبارت «بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ» به کار رفته است که مراد از نور در پیش رو «بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»، تجلی نور در طول مسیر و جلوی روی رونده است که شامل معارف و حقایق و مقاماتی است که فوق مقام ایشان است و مراد از «بِأَيْمَانِهِمْ» در کنار ایشان، شامل صفات کریمه و اعمال مورد رضایت ایشان می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۶۲/۵) که می‌تواند نامه اعمال را نیز در برگیرد که به دست راست مؤمنان داده می‌شود.

همراهی نور مؤمنان با دو فعل «یسعی» و «اتمم» در آیه «نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا» (تحریم، ۸) آمده است. «سعی» به معنای حرکت سریع ولی نه به حد دویدن است که در مورد جدیت در امور به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۱۱) و «تمم» به معنای رسیدن یک چیز به حدی است که احتیاج به چیزی خارج از آن نداشته باشد (همان، ۱۶۸)؛ بنابراین «تمم» از لحاظ معنایی شامل «سعی» و جدیت گردیده و تمام آن نور را در بر می‌گیرد. مؤمنانی که به خداوند متعال مرتبط شده‌اند، نفسشان خالص شده، مهیای نورانی شدن گردیده‌اند و از خدا می‌خواهند که نورشان کامل گردد: «رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

نُورَنَا». اطلاق «سعی» در این مورد به اعتبار شدت درخشش نور است که شامل تمامی امور آن می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۶۱/۵).

در آیه (تحریم، ۹) به دو گروه کفار و منافقین اشاره شده: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ». واژه «کفر» نقیض «ایمان» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۵۶/۵). برخی «نفاق» را به معنای «کفر» گرفته‌اند (صاحب، ۱۴۱۴ق، ۴۴۵/۵)، ولی می‌توان گفت از لحاظ شمول معنایی، «کفر» اعم از «نفاق» است؛ زیرا کفر به چهار بخش تقسیم شده: کفر انکار خدا، کفر جحود و انکار، کفر دشمنی و کفر نفاق (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴۴/۵) و کفر نفاق آن است که انسان به زبان ایمان بیاورد، ولی قلبش کافر باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۵۶/۵) و قلبش بدان معتقد نباشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴۴/۵) و از ایمان به طرف کفر خارج شده است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۹۸/۷)؛ بنابراین دایره کفار فراتر از منافقین بوده و در عین حال شامل منافقین می‌شود.

در آیه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (تحریم، ۹) واژه‌های «جاهد» و «اغلظ» آمده است. «جاهد» به معنای به کار بردن تمام سعی و تلاش است برای اینکه فرد بتواند به نهایت توانایی خود برسد و در این راستا کسانی که با دشمن می‌جنگند، تمامی تلاششان را در مقابل دشمن به کار می‌گیرند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۵۰/۲–۱۴۹). میان جهاد و غلظت، شمول معنایی برقرار است و جهاد شامل غلظت هم می‌شود و غلظت بر کفار و منافقین بخشی از جریان مجاهده با آنان است. در این آیه، شمول معنایی جهاد تا آنجا گسترش یافته که شدت را به نهایت رسانده و به مؤمنان دستور می‌دهد که «وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛ یعنی به آنان (کفار و منافقین) سخت بگیر (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۲۸۸/۴). شمول معنایی «غلظ» به اجسام لطیف نیز تعلق می‌گیرد؛ زیرا در آیه (تحریم، ۶) آمده است: «عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ» که مربوط به امور اخروی می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۳۰۶/۷).

در آیه «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم، ۱۱) همسر فرعون از عمل فرعون و قوم ظالم تقاضای نجات می‌کند. در این آیه نجات

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

از «ظلم» قوم ظالم اعم از «ظلم» فرعون است و فرعون نیز در زمره ظالمان قرار می‌گیرد. «ظلم» به معنای قرار دادن چیزی در غیر جایگاه آن است (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۹۳۴/۲).

در آیه (تحریم، ۱۲) حضرت مریم سلام الله علیها دامان خود را حفظ کرده که اخص از تصدیق «کلمات رب» و «قنوت» است: «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتُبِهِ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ». حضرت مریم سلام الله علیها کلمات پروردگارش و کتاب خدا را تصدیق کرد که «کلمات رب»، وحی انبیا بوده و کتاب‌های انبیاء، شامل وعده و وعیدهای الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۴۵/۱۹)؛ بنابراین عبارت «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» اخص از «کلمات رب» و «کتاب‌های الهی» است؛ زیرا حفظ دامان، ضمن تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های ایشان است. «قنوت» حضرت مریم سلام الله علیها نیز ذیل شمول معنایی «صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتُبِهِ» قرار می‌گیرد؛ همچنان که سایر کتب آسمانی و قرآن (آل‌عمران، ۴۳؛ احزاب، ۳۵؛ زمر، ۹؛ تحریم، ۵)، یکی از صفات شایسته زنان را «قنوت: مطیع و خاضع در برابر خدا» بیان می‌کنند.

۱-۱-۲. هم‌معنایی

خداوند با عبارت «لِمَ تُحَرِّمُ»، حلال‌های الهی را با «مَا أَحَلَّ اللهُ» پوشش می‌دهد که بیانگر حلال بودن نعمت‌های الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله است و حرام کردن آنها را برای رضایت همسران رد می‌کند. بار دیگر گشودن سوگندها با «تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ» پوشش داده و بر «مَا أَحَلَّ اللهُ» تأکید کرده است و با عبارت «فَرَضَ اللهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ» می‌فهماند که باید پیامبر صلی الله علیه و آله به همان اصل حلیت اولیه رجوع کند.

خبر دادن سر پیامبر صلی الله علیه و آله «فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ» توسط همسر ایشان به دیگری با عبارت «عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» هم‌پوشانی دارد؛ زیرا پیامبر

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

صلی الله علیه و آله بخشی را به عنوان راز برای همسرش بیان کرده و بخشی از راز را بیان نکرده است و آشکار کردن آن سر توسط خداوند متعال «أَظْهَرَهُ اللهُ عَلَيْهِ»، کیفیت آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از افشای راز را بیان می‌کند و اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله همسرش را بر اطلاع بر افشای آن راز «نَبَّأَهَا بِهِ» باخبر کرده است.

قید «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللهِ» که بیانگر نیازمندی توبه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل خطاکاری ایشان بوده است، با عبارت «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» تبیین شده است؛ بدین معنا که به دلیل انحراف قلبی، ایشان نیازمند توبه هستند. انحراف قلبی دو همسر با یکدیگر «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» بیانگر پشتیبانی آن دو با هم «وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» علیه پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌پوشانی دارد. عبارت «إِنْ طَلَّقَكُنَّ» (تحریم، ۵) با عبارت «أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا» هم‌معنا و همراه با تبیین بیشتری است که طلاق یک همسر می‌تواند با تبدیل آن با همسر دیگر همراه باشد.

خداوند با عبارت «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» کیفیت آتش را توضیح داده و با جمله اسمیه «وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ» بدان تأکید کرده و علت آن را تبیین می‌کند که ملائکه سخت‌گیر بر آتش گمارده شده‌اند تا شنونده را بهتر بر کیفیت حفظ از آتش ترغیب کند. در تأکید این امر، دو صفت مشابه برای ملائکه آورده: «لَا يَعْصُونَ اللهَ مَا أَمَرَهُمْ» نافرمانی نکردن ملائکه همان «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» انجام اوامر الهی است که جمله اول بیانگر دست نکشیدن از کار و جمله دوم انجام کار به صورت دقیق طبق دستور الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۳۴/۱۹).

نپذیرفتن عذر کافران «لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ» همان «إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» جزای کردار خود ایشان است؛ به این دلیل که عقاب روز قیامت، جزای همان اعمال کافران است. پذیرفتن توبه خالص مؤمنان «تُوبُوا إِلَى اللهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» اعم از بخشیده شدن گناهان ایشان است «أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» و در عرض بخشیده شدن گناهان، «يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» داخل شدن در بهشت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

وعده داده شده است؛ بنابراین بخشیده شدن گناهان «أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (تحریم، ۸) اعم از آمرزش ایشان «وَاغْفِرْ لَنَا» است.

در آیه (تحریم، ۸) عبارات «توبوا» و «اغفر» بیان شده: «تُوبُوا إِلَى اللهِ تَوْبَةً نَصُوحًا... رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا». واژه «تاب» نوعی قرابت با «غفران» داشته و «تَابَ اللهُ عَلَيْهِ» به معنای غفران و نجات از گناهان آمده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۷۸) که بیانگر یکی از شئون توبه است. اصل توبه به معنای بازگشت از گناه است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۹۱/۱) که توبه از سوی بنده به معنای پشیمانی از گناه و توبه از سوی خدا به معنای رحمت، عطوفت و مغفرت است که با حرف «علی» می‌آید (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۴۳۰/۱). در این آیه، خداوند به مؤمنان دستور داده که به سوی خدا توبه کنند و در مقابل، مؤمنان از خدا می‌خواهند که آنان را مورد مغفرت قرار دهد. این امر نشان‌دهنده آن است که افراد مؤمن نسبت به اشتباهات خود پشیمان شده و از خدا طلب آمرزش و مغفرت می‌کنند. البته تفاوت استغفار با توبه آن است که استغفار، طلب آمرزش همراه با دعا و توبه است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۲۲۹/۱-۲۳۰).

درخواست همسر فرعون از پروردگار «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» خانه‌ای در بهشت داشتن، همان در جوار قرب الهی بودن است و این ورود به بهشت همراه با نجات از فرعون «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ» و به صورت اعم، نجات از قوم ظالم «نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۴۴/۱۹-۳۴۵).

۱-۱-۳. تضاد معنایی

خداوند متعال در ابتدای سوره تحریم با استفاده از تضاد معنایی، پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد سؤال قرار داده است که چرا آنچه را خدا بر او حلال کرده، به دلیل رضایت همسرانش بر خود حرام کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاةَ أَزْوَاجِكَ» (تحریم، ۱). این امر بیانگر تضاد درخواست همسران

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

پیامبر با خواست خدا بوده و بر اساس نظر نورمن فرکلاف، نشانگر تضاد و ناپایداری در ساختار قدرت است.

سوگند خوردن برای ایجاد محدودیت با حقوق الهی–انسانی انسان در تضاد است؛ بنابراین خدا گشودن قسم را بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب کرده تا وی را از محدودیت‌های ایجادشده توسط خودش آزاد کند: «قَدْ فَرَضَ اللهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ» (تحریم، ۲). این تضاد ممکن است ایجادکننده ناپایداری در دینامیک‌های قدرت و اطاعت در جامعه شود.

یکی از ویژگی‌های مهم راز، مخفی ماندن آن است؛ ولی همسر پیامبر صلی الله علیه و آله آن سر را فاش کرد که دو امر «أَسَرَّ» و «أَظْهَرَ» با یکدیگر در تضاد هستند. این امر بیانگر پیچیدگی اطلاعات در نهاد خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان قدرت حاکمه جامعه اسلامی است که موجبات افشای سر نبی صلی الله علیه و آله توسط همسر وی به همسر دیگر را در برداشته است (تحریم، ۳) و خداوند برای پشتیبانی از حاکمیت جامعه اسلامی، افشای سر را به پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع داده است.

بازگو کردن قسمتی از راز و خودداری از قسمت دیگر آن «عَرَّفَ... وَ أَعْرَضَ عَنْ»، به تضاد بازگو کردن اطلاعات جزئی و خودداری از اطلاعات کلی و مهم‌تر اشاره دارد که ممکن است در قالب ارتباطات قدرتمند یا کنترل‌شده‌تر ظاهر شود. این امر در روایاتی از منابع شیعی مشاهده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بخشی از راز را به همسرش (حفصه) گفته بود که وی را چندان در معرض خطر قرار نمی‌داد و بخشی را بیان نکرده بود که حاکی از سوءقصد به جان ایشان بود (قمی، ۱۳۶۷ش، ۳۷۶/۲)؛ زیرا طبق نظریه فرکلاف امکان داشت این امر در قالب ارتباطات قدرتمندتر یا کنترل‌شده‌تر با پدران همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابله با ایشان مطرح شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

انحراف قلبی با قرار گرفتن در مسیر الهی در تضاد است؛ به همین دلیل برای رفع این تضاد، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌بایست با توبه به سوی خدا بازگردند و عدم بازگشت ایشان به مسیر الهی، موجبات حمایت خدا، جبرئیل و صالح مؤمنان (امیرالمؤمنین علیه السلام) (قمی، ۱۳۶۷ش، ۳۷۶/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲۴۴/۶–۲۴۳؛ کوفی، ۱۴۱۰ق، ۴۸۹/۱) و ملائکه از پیامبر صلی الله علیه و آله را در پی خواهد داشت (تحریم، ۴).

خداوند در روز قیامت به کافران اجازه عذرخواهی نمی‌دهد (تحریم، ۷) و این امر ممکن است با پذیرش توبه و عذر در دنیا بر اساس نظر فرکلاف متضاد به نظر برسد؛ درحالی‌که خداوند توبه و عذرخواهی را در آیات دیگر منحصر به دنیا کرده و حتی توبه در آخرین لحظات زندگی در دنیا را نفی کرده است (نساء، ۱۸؛ یونس، ۹۰–۹۱)؛ بنابراین پذیرش توبه در روز قیامت با رحمانیت خداوند در تضاد نیست؛ زیرا روز قیامت زمان عمل به پایان رسیده و تنها زمان حسابرسی و جزاست (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۱۹۲/۱).[۲]

پاکی همسر فرعون که به عنوان مثال در سوره (تحریم، ۱۱) مطرح شده، در تضاد با ظلم فرعون و قوم اوست. این امر بیانگر پیچیدگی و تضاد در ساختار قدرت و امور اجتماعی است که ممکن است در دینامیک‌های قدرت و اطاعت ایجاد ناپایداری کند. پاک‌دامنی حضرت مریم سلام الله علیها با آلودگی انسان‌ها در تضاد است که قرآن بر پاک‌دامنی حضرت مریم سلام الله علیها صحه گذاشته و تصویر گناه‌آلود حضرت مریم سلام الله علیها در برخی ادبیات و افسانه‌ها، همچون نسبت ناروای یهود به ایشان را رد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۴۵/۱۹، ذیل آیه ۱۵۶ سوره نساء). این تضاد نشان‌دهنده چالش در تفسیر مفاهیم دینی است که چنانچه

۲. «إِنَّ الْیَوْمَ عَمَلٌ بِلَا حِسَابٍ وَ غَداً حِسَابٌ بِلَا عَمَلٍ».

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

فرد به تمامی ابعاد آشنایی نداشته باشد، امکان تجزیه و تحلیل درست مطالب برای وی امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱-۲. بررسی لایه واژگانی

«به‌هم‌پیوستگی و یکپارچگی واژگان در متن، یک معنا و مفهوم خاص را به تصویر می‌کشند و معنای واژگان مفرد چنان در ارتباط با دیگر عناصر حل می‌شوند که گویی فقط تداعی‌گر یک معنا و آن هم معنای برخاسته از کل سخن است» (جرجانی، ۱۹۹۷م، ۸۷). در سوره تحریم لایه واژگانی شامل چند بخش می‌شود که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۲-۱. بلاغت

«بلاغت» در سخن، هماهنگی سخن با چیزی است که حال خطاب (شرایط و زمینه‌های هنگام سخن گفتن) آن را می‌طلبد و کلام بلیغ، سخنی است که متکلم آن را متناسب با احوال مخاطبین به تصویر می‌کشد (هاشمی، ۱۳۸۱ش، ۳۲). ابعاد مختلفی در علم بلاغت، اعم از معانی، بیان و بدیع نهفته است که در این مبحث جنبه‌های استعاری، ضرب‌المثل، تعریض و کنایه و سلب و ایجاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) جنبه استعاری

لفظ در وضع لغوی دارای اصلی است که شواهد بر آن دلالت می‌کنند. هرگاه فردی لفظ را در غیر وضعی به کار ببرد که لازمه آن است، «استعاره» نام می‌گیرد (جرجانی، ۱۴۲۲ق، ۳۱). در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» (تحریم، ۸)، توبه با وصف نصوح به صورت اسناد مجازی آمده است و «نصح» صفت «توبه» قرار گرفته؛ یعنی افراد با توبه جان خویش را نصیحت کنند، پس باید توبه کوتاهی‌ها را جبران کرده و گناهان را محو کند (صافی، ۱۴۱۸ق، ۳۰۲/۲۸).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

ب) ضرب المثل

خداوند برای تفهیم ناکارآمد بودن رابطه نسبی و سببی در روز قیامت، به احوال همسران پیامبران مثال زده است؛ مبتنی بر اینکه کافران به دلیل کفر و دشمنی با مؤمنان عقاب خواهند شد و ارتباط همسران با پیامبران سودی به حال آنان نخواهد داشت؛ زیرا آنان ارتباط خود را با خدا و رسول صلی الله علیه و آله قطع کرده و به دلیل نفاق و خیانتشان به رسولان الهی از عذاب الهی نجات نخواهند یافت (صافی، ۱۴۱۸ق، ۱۰/۲۹-۱۱).

ج) تعریض و کنایه

خداوند با دو ضرب‌المثل در مورد همسران دو پیامبر، نوح و لوط علیهما السلام، به دو همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کنایه زده است؛ زیرا آنان همدیگر را علیه پیامبر صلی الله علیه و آله در امری یاری کرده بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را خوش نداشت و خدا آنان را به شدیدترین شکل بر حذر داشت و اشاره کرد که باید همچون دو بانوی مؤمن (همسر فرعون و مریم سلام الله علیها) باشند و به این امر تکیه نکنند که همسر رسول‌الله صلی الله علیه و آله هستند. کنایه به حفصه ارجحیت بیشتری دارد؛ زیرا همسر لوط راز لوط را افشا کرد، همچنان که حفصه راز پیامبر را فاش نمود (همان). این دو ضرب‌المثل عبرتی برای همسران نبی صلی الله علیه و آله است؛ زیرا خدا سرزنش آنان را مقدم کرد (درویش، ۱۴۱۵ق، ۱۰/۱۴۰) و کنایه‌ای شدید به دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است که به ایشان خیانت کرده و راز ایشان را فاش نمودند؛ به خصوص وقتی‌که سخن از کفر و خیانت و فرمان داخل‌شدن به آتش آمده است، شدت این تعریض فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۹/۳۴۳).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

د) سلب و ایجاب

خداوند در مورد ملائکه می‌فرماید: «لَا يَعْصُونَ اللهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶). در این عبارت، کلام از یک جهت نفی شده و از جهت دیگر اثبات شده است؛ بدین معنا که ملائکه از فرمان خدا سرپیچی نکرده و دستورات الهی را انجام می‌دهند. خداوند ملائکه را به حد اعلی توصیف کرده است؛ زیرا اگر می‌فرمود: نافرمانی نمی‌کنند، این احتمال وجود داشت که اطاعت هم نکنند؛ در این صورت بیان کامل نمی‌شد؛ بنابراین فرمود: اطاعت می‌کنند و نافرمانی نمی‌کنند» (درویش، ۱۴۱۵ق، ۱۴۰/۱۰).

۱-۲-۲. نوع ضمایر

در این سوره از انواع ضمایر بارز و مستتر، متصل و منفصل استفاده شده و با خطاب خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله با «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» (تحریم، ۱) آغاز شده که با عبارت «إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ» (تحریم، ۳) التفات از مفرد مذکر به جمع مذکر مؤمنین مشاهده می‌شود. این امر بیانگر آن است که خداوند گشودن قسم و برگرداندن حلیت حکم شرعی را بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب کرده و ضمن آن، داستان را برای مؤمنین نقل کرده و نامی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌برد و آن را مبهم ذکر کرده تا نبی اکرم صلی الله علیه و آله را در این زمینه تأیید کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۳۱/۱۹). در آیه اول با عبارت «لَكَ» خطاب به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته، ولی در آیه دوم با عبارت «لَكُمْ» خطاب به تمامی مؤمنین تعلق گرفته که با التفات از خطاب مفرد مذکر به جمع مذکر، گویا توجه به کیفیت گشودن قسم‌ها را متوجه تمامی مؤمنان کرده است و بیانگر آن است که خدا بر امور تشریعی تمام مؤمنان ولایت دارد (همان، ۳۳۰/۱۹).

عبارت «إِنْ طَلَّقَكُنَّ» (تحریم، ۵) همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را به صورت حاضر مورد خطاب قرار داده و به شدت تهدید نموده و ضمیر «هو» را در

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

عبارت «فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلَاهُ» (تحریم، ۴) به صورت ظاهر و ضمیر آورد تا با تأکید بفهماند که خداوند عنایت خاصی به پیامبر صلی الله علیه و آله دارد و بدون هیچ واسطه‌ای او را یاری می‌کند (همان، ۳۳۱/۱۹). ولی در آیه (تحریم، ۵) که تعریضی به همسران نبی صلی الله علیه و آله است، پیامبر صلی الله علیه و آله را با صیغه غایب «رَبُّهُ» و «أَنْ يُبْدِلَهُ» مخاطب ساخته، گویا در اینجا واسطه‌گری پیامبر صلی الله علیه و آله برای همسران فایده‌ای ندارد.

آیه (تحریم، ۹)، پیامبر صلی الله علیه و آله را با عبارت «جَاهِدْ» به صورت مستقیم مخاطب ساخته، ولی کفار و منافقین را با ضمیر «عَلَيْهِمْ» و «مَأْوَاهُمْ» غایب فرض کرده است، گویا خدا سخنی با ایشان ندارد. پس از این آیه، خداوند در آیات ۱۰ تا ۱۲ روی سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله به عموم مسلمین به صورت غایب آورده و با التفات به سوی مؤمنین، دو مثال برای کافران و مؤمنان مطرح می‌کند که فاعل فعل به صورت ظاهر «اللهُ» آمده و از ضمیر استفاده نکرده است که بیانگر آن است که خداوند با مثال زدن و بیان مسندالیه، درصدد روشنگری بزرگی خطای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله برای شنونده است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۱ش، ۹۷-۹۸).

خداوند در آیه (تحریم، ۱۰) با ضمیر مثنی غایب «كَانَتَا»، «فَخَانَتَاهُمَا»، «فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا» و «ادْخُلَا» برای مثال کافران از زن نوح و لوط استفاده کرده و ضمیر جمع «الدَّاخِلِينَ» ناظر به قوم نوح و لوط است که همسران این پیامبران با قوم خود یا با تمامی کافرین وارد آتش می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۴۳/۱۹-۳۴۴).

در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم در مورد حضرت مریم سلام الله علیها از ضمایر مفرد مؤنث غایب «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» و «صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا» استفاده شده، ولی در مورد قنوت از جمع مذکر غایب «الْقَانِتِينَ» آمده است که شاید بدین دلیل باشد که در آن مذکر بر مؤنث غلبه دارد. خطاب خداوند به مریم سلام الله علیها با متکلم

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

مع‌الغیر «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» آمده که حاکی از وساطت ملائکه با ایشان است و ضمیر مفرد غایب در «كُتُبِهِ» ناظر به کتاب‌های الهی است (همان، ۳۴۵/۱۹).

۱-۳. سطح دستوری متن

در سطح دستوری متن، ویژگی‌های ظاهری متن مطرح است که در اینجا به جملات معلوم و مجهول، مثبت و منفی، وجوه مختلف جمله (خبری، دستوری، امر و نهی) و نوع جملات توجه می‌شود.

۱-۳-۱. جملات معلوم و مجهول

معمولاً کلام به صورت معلوم بیان می‌شود تا شنونده نسبت به فاعل و مفعول آشنایی کافی پیدا کند، اما گاهی گوینده به دلایلی کلام را به صورت مجهول مطرح می‌کند. در سوره تحریم، غالب جملات به صورت معلوم به کار رفته‌اند که فاعل و مفعول آن‌ها روشن است؛ اما در مواردی فعل مجهول به کار رفته است. از جمله عبارت «مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶) که فاعل آن «الله» بوده ولی فعل به صورت مجهول آمده تا شدت توبیخ و مذمت کافران را برساند که ملائکه فقط پیرو دستورات الهی و مأمور به انجام وظیفه هستند (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۱ش، ۱۹۳). عبارت «تُجْزَوْنَ» (تحریم، ۷) در خطاب به کافران جهت توبیخ در مذمت آنان آمده که این جزا به خدا یا ملائکه عذاب استناد داده نشده، بلکه بیانگر جزای ایشان به عنوان واکنش کردار خودشان است (همان)؛ همچنین همسران پیامبران که دارای کردار ناشایست بودند، با نهایت مذمت و توبیخ با عبارت مجهول «قِيلَ» (تحریم، ۱۰) مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۱-۳-۲. جملات مثبت و منفی

غالب جملات سوره تحریم مثبت است، به جز عبارات «لَا يَعْصُونَ اللهَ» (تحریم، ۶) که در مورد عدم عصیان ملائکه سخن رفته، «لَا تَعْتَذِرُوا» (تحریم، ۷) که درباره عدم قبول عذرخواهی کافران در روز قیامت سخن می‌گوید، «لَا يُخْزِي اللهُ» (تحریم، ۸) که بیان می‌کند خدا، نبی صلی الله علیه و آله و مؤمنین را در روز قیامت خوار نمی‌کند و «فَلَمْ يُغْنِيَا» (تحریم، ۱۰) که درباره همسران پیامبران است که رابطه سببی، آنان را از عذاب الهی نجات نمی‌دهد.

۱-۳-۳. وجوه مختلف جمله (خبری «اسمیه و فعلیه»، دستوری «امر و نهی»، پرسشی، ...)

ابتدای سوره تحریم با استفهام توبیخی (مطلوب، بی‌تا، ۱۱۵) «لِمَ تُحَرِّمُ» (تحریم، ۱) آغاز شده و عبارت «تَبْتَغِي مَرْضَاةَ أَزْوَاجِكَ» می‌فهماند که این توبیخ و عتاب متوجه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۳۰/۱۹). در «قَدْ فَرَضَ اللهُ» (تحریم، ۲) از جمله خبری برای امر استفاده شده که وجوب را می‌رساند؛ بدین معنا که عمل ایجابی را انجام داده و از انجام عمل تحریمی خودداری کند (همان، ۸۷/۱۵).

در عبارت «وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»، کلمه «ملائکه» مبتدا و کلمه «ظهیر» خبر آن است. با اینکه «ملائکه» جمع است، ولی خبر آن «ظهیر» را به صورت مفرد آورده تا بفهماند ملائکه در پشتیبانی پیامبر متحد و متفق‌اند، گویی در صف واحدی قرار دارند (همان، ۳۳۲/۱۹).

عبارت «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ» با افعال مقاربه آغاز شده و دلالت بر امید وقوع خبر می‌دهد (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ۱۳۹/۲). آیه (تحریم، ۶) با فعل امر «قُوا» مؤمنان را از آتش جهنم بر حذر داشته و با عبارت منفی «لَا يَعْصُونَ» از نافرمانی نکردن و عبارت مثبت «يَفْعَلُونَ» از انجام دستورات توسط ملائکه خبر می‌دهد. عبارت «لَا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ» (تحریم، ۷) کافران را از عذرخواهی نهی می‌کند که بیانگر عدم قبول عذر است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۵۶۹/۴)؛ زیرا در ادامه با جمله خبری و ادات حصر تأکید می‌کند: «إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» که روز قیامت تنها روز جزای اعمال است.

۲. تحلیل در سطح تفسیر

تفسیر، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از آن، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۲۱۵). در این مرحله، عدم استقلال فاعلان در گفتمان روشن می‌شود. در تفسیر، زمینه‌های بینامتنی بر آگاهی‌های پیشین، مانند نظم‌های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی منطبق است. در این سطح، زمینه تفسیرهای مشارکان گفتمان از بافت موقعیتی و بینامتنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. بافت موقعیتی داستان سوره تحریم

در گفتمان موقعیتی بر اساس شیوه نورمن فرکلاف، سه سؤال مطرح است: ماجرا چیست؟ چه کسانی در آن درگیر هستند؟ روابط میان آن‌ها چیست؟ (همان، ۲۲۱-۲۲۲).

سؤال ۱: ماجرا چیست؟

بر اساس برخی شأن نزول‌های واردشده، پیامبر صلی الله علیه و آله با همسرش ماریه در اتاق حفصه هم‌بستر شد و حفصه از این امر به شدت ناراحت شد. پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدن ناراحتی وی، به او فرمود: این قضیه را پنهان کن و من رازی را با تو در میان می‌نهم، ولی آن را به کسی نگو. آن راز این است که بعد از من ابوبکر و پس از آن پدر تو (عمر) سرپرستی این امت را به دست می‌گیرند. حفصه ماجرای هم‌بستری پیامبر صلی الله علیه و آله را به عایشه گفت و حفصه (یا عایشه)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

پیوسته با عصبانیت با پیامبر صلی الله علیه و آله برخورد می‌کرد تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله قسم خورد که با ماریه هم‌بستر نشود. به همین دلیل خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را توبیخ کرد که چرا به دلیل رضایت همسرانش امری را بر خود حرام می‌کند که خدا بر او حلال کرده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۳۷۵/۴؛ قمی، ۱۳۶۷ش، ۳۷۵/۲–۳۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۰۲/۲۹).

ابتدای سوره با توبیخ همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آغاز شده و انتهای سوره با مثالی از همسران سایر انبیا و بانوان برگزیده پایان یافته که حاکی از توبیخ همسران نوح و لوط است که به همسران خود خیانت کرده و مستحق عذاب الهی شده‌اند و در مقابل، همسر فرعون که از فرعون و عمل او بیزار بود، از خدا تقاضای نجات و بهشت کرد و حضرت مریم سلام الله علیها دامان خود را حفظ کرده و از انسان‌های خاضع بودند که در انتهای سوره مورد ستایش و تکریم پروردگار قرار گرفته‌اند (تحریم، ۱۰–۱۲).

سؤال ۲: چه کسانی در این ماجرا درگیر هستند؟

عمده توجه این سوره به سوی دو همسر پیامبر صلی الله علیه و آله (حفصه و عایشه) است و در عین حال، تمامی کافران و مؤمنان نیز مخاطب این سوره هستند؛ همچنان که در وسط سوره به مؤمنان دستور حفاظت از آتش داده شده است.

سؤال ۳: چگونگی روابط میان آن‌ها چیست؟

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به دو گروه تقسیم می‌شدند: گروهی که در آن عایشه، حفصه، صفیه و سوده بودند و گروه دیگر ام‌سلمه و سایر همسران رسول‌الله صلی الله علیه و آله (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۱۵۶/۳).[۳] بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه بود که زمان نزول این سوره دار فانی را وداع

۳. «أَنَّ نِسَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُنَّ حِزْبَيْنِ فَحِزْبٌ فِيهِ عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ وَصَفِيَّةُ وَسَوْدَةُ وَالْحِزْبُ الْآخَرُ أُمُّ سَلَمَةَ وَسَائِرُ نِسَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله».

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

گفته بود، ولی حسادت‌های برخی همسران نسبت به ایشان گزارش شده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۳۶/۷؛ احمد بن حنبل، بی‌تا، ۳۵۶/۴۱).

هر یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اقشار اجتماعی مختلفی بودند که اتاقی در خانه ایشان داشتند. حفصه دختر عمر و عایشه دختر ابوبکر از مهاجران بودند و برخی همسران همچون زینب از اقوام ایشان بودند و برخی همچون ماریه قبطیه از دختران ملوک بودند که پادشاه مقوقس وی را به عنوان هدیه برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ۲۰۰/۱). او سفید و زیبا بود و توجه پیامبر صلی الله علیه و آله به وی، موجب ناراحتی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله شد. به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله ماریه را خارج از مدینه در نخلستان کوچکی مسکن داد (همان، ۱۰۷/۱). حسادت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به یکدیگر در تاریخ گزارش شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق، ۴۰۹؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ۷۰/۹) و حسادت آنان نسبت به ماریه، به خصوص پس از پسردار شدن وی، دوچندان شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ۱۰۷/۱).

۲-۲. بافت بینامتنی

آیات این سوره در یک بافت بینامتنی یا داستان مطلوب[4] قرار گرفته و مفاهیم اخلاقی و دینی با ماجراهای زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سایر پیامبران و مردم ترکیب شده تا یک بافت گسترده و غنی به وجود آید. در آن به اهمیت ارتباطات خانوادگی و اجتماعی اشاره می‌کند، مبنی بر اینکه مشکلات خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله بر جامعه اثر گذاشته و پیامبر صلی الله علیه و آله در صدد اصلاح وضعیت موجود و بهبود وضعیت زندگی اجتماعی خانواده و جامعه برآمده است.

4. sublime narrative

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

در این راستا، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی اهمیت بسیاری دارد؛ از جمله حفظ اسرار خانواده، حفظ شأن پیامبر صلی الله علیه و آله از حیث حجت و نبی خدا بودن و توجه به محوریت پیامبر در روابط خانوادگی و فراتر از آن، رابطه امام و مأموم است که این سوره، مسئله به‌وجودآمده را فراتر از یک مسئله خانوادگی مطرح کرده و به عنوان یک مسئله ایدئولوژیک بدان نگریسته است. در مجموع، این سوره یک مجموعه تاریخی و اخلاقی در جهت تربیت اخلاقی افراد است که می‌بایست با توجه به اصول دینی و ارزش‌های اسلامی به دنبال اصلاح فردی و جمعی جامعه باشد.

۳. تحلیل در سطح تبیین

تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد که در آن توصیف گفتمان به عنوان بخشی از فرایند اجتماعی است که گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و تأثیرات آن‌ها را بر ساختارها نشان می‌دهد؛ تأثیراتی که می‌تواند موجب حفظ یا تغییر ساختارها شود و در آن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۲۴۵).

در این سطح، سه بخش بازتولید گفتمان رسمی، تأثیر مناسبات قدرت بر اقشار جامعه و تأثیر گفتمان رسمی و مناسبات قدرت در آینده جامعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. بازتولید گفتمان رسمی

در این سوره، پیامبر صلی الله علیه و آله خود را متعهد به تعلیمات الهی می‌داند. وی در میان مسئولیت اجتماعی، درگیر مسئله‌ای خانوادگی می‌شود که برای جلب رضایت همسران از یکی از حقوق خود گذشته و خداوند تذکر داده که نباید زیر بار فشار همسران برود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

این سوره وقایع زندگی خصوصی پیامبر صلی الله علیه و آله و ارتباط آن با زندگی اجتماعی را نشان می‌دهد که گاه تأثیرات جدی در زندگی ایشان گذاشته است. به همین دلیل خدا به همسران وی هشدار می‌دهد که در صورت تداوم توطئه ایشان علیه پیامبر صلی الله علیه و آله، خود، جبرئیل و صالح المؤمنین (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) به پشتیبانی او بر خواهند خواست. عمل به حق، یکی از حقوق الهی در جامعه است که این سوره با توجه دادن به حقوق الهی و جنبه معنوی ایمان، از مؤمنان خواسته تا خود و خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنند.

در نهایت، برای عبرت‌آموزی مسلمانان، مثال‌هایی از همسران کافر نوح و لوط علیهما السلام زده و زندگی حضرت مریم سلام الله علیها و همسر فرعون را برای مؤمنان بیان کرده تا اخلاق و اعتقادات اسلامی را مدنظر قرار داده و با تأمل در آن، تحت اطاعت الهی درآیند.

۳-۲. تأثیر مناسبات قدرت بر اقشار جامعه

آیات این سوره نشان‌دهنده تأثیر مناسبات قدرت بر تعیین ارزش‌ها و اخلاقیات در جامعه اسلامی است. پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان رهبر جامعه اسلامی به دلایلی مجبور به حرام کردن امری حلال بر خود شده که برای حفاظت از دین و حریم خانواده است.

در قاموس الهی، بافت اجتماعی بر اساس ملاک‌ها و ضوابطی در دستورات الهی تأثیرگذارند و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس حکم ثانوی مجبور به تحریم امری بر خود گردید و پس از آنکه خداوند به وی دستور داد تا برای رضایت همسران از حقوق مباح خود نگذرد، ایشان ضمن پایداری بر قوانین الهی بر اساس حکم خداوند، سوگند خود را گشود و به عنوان شخصیت اول جامعه اسلامی، با قدرت، ضامن اجرای احکام الهی گردید. بنابر دستور الهی، همسران وی به دلیل خطای مرتکب‌شده، می‌بایست از درگاه خداوند طلب توبه و آمرزش کنند و بدانند که

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

قدرت پیامبر صلی الله علیه و آله متصل به قدرت الهی و نیروهای ماورایی است و چه‌بسا در صورت اصرار آنان بر توطئه علیه پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند همسرانی شایسته و مطیع به وی عنایت خواهد کرد؛ بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر قدرت در دستگاه حاکم، از قدرت در مسائل خانوادگی نیز برخوردار خواهد شد.

آیات این سوره بیانگر آن است که تمسک به اصول الهی و عمل به آن‌ها در راستای فرمان‌ها الهی که تحت قدرت مطلقه خداوند قرار دارد، باید سلسله مراتب خود را حفظ کرده و قدرت رهبر جامعه اسلامی در راستای این قدرت حفظ شود و مؤمنان نیز از این قدرت در ارتقاء اخلاق، ایمان و اصلاح خود و جامعه بهره جویند.

۳-۳. تأثیر گفتمان رسمی و مناسبات قدرت در آینده جامعه

در این سوره، گفتمان رسمی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای جلب رضایت همسرانش مورد سؤال قرار گرفته که نشان از تأثیر گفتمان بر ارزش‌ها و رفتارها در آینده در زمینه‌های اجتماعی، رفتاری و اخلاقی است. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان رهبر جامعه اسلامی تسلیم همسرانش می‌گردید و از حمایت الهی جهت مقابله با خواست همسران مواجه نمی‌شد، همواره خانواده مسئولین با فشار بر مسئولین، موجبات انحراف در جامعه را از طریق اعمال قدرت اجرایی می‌کردند. در این میان، خداوند متعال با هشدار به خانواده‌ها به پشتیبانی از رهبر الهی، آنان را به حفظ حریم الهی دعوت کرده و آنان را به عذاب الهی هشدار می‌دهد؛ بنابراین مناسبات قدرت به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر اراده اجتماعی اعضای جامعه مطرح شده‌اند که این اراده اجتماعی می‌تواند توسط گفتمان و تبادل اطلاعات به شکل‌گیری بپردازد.

گفتمان‌ها موجب تغییر رفتار افراد می‌شوند. در این سوره، افشای سر پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از همسرانش مطرح شده که موجب تغییر رفتار همسران

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

گردید و این اطلاعات بر جامعه نبوی تأثیرات خود را بر جای نهاد و جامعه آینده مسلمانان را دستخوش تغییرات اساسی کرد. برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی این گفتمان در آینده، هشدار الهی نسبت به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس به همه مؤمنین گوشزد شده است.

در مجموع، تحلیل این سوره نشانگر آن است که گفتمان رسمی و مناسبات قدرت تأثیر زیادی در تعیین ارزش‌ها، اراده اجتماعی، تغییر رفتار، مسئولیت‌پذیری، امیدواری و روابط اجتماعی افراد در جامعه دارد و این تأثیرات ممکن است در آینده جامعه نیز ادامه یابد.

نتیجه‌گیری

بهره‌گیری خداوند در بیان فرمان‌ها در سطوح مختلف توصیف، تفسیر و تبیین در این سوره نشان از آن دارد که روابط معنایی در صدد حفظ اقتدار حاکم اسلامی بوده و بافت موقعیتی و بینامتنی این سوره، در صدد کاهش تأثیرات مناسبات خانوادگی و اجتماعی بر قدرت حاکمه اسلامی است که در نهایت تأثیرات قدرت بر اقشار جامعه در آن زمان و آینده را مدیریت می‌کند.

سوره تحریم از گفتمانی خانوادگی و اجتماعی بهره می‌برد که آن را در عالی‌ترین سطح قدرت، یعنی حاکم کل جامعه اسلامی، مطرح می‌سازد. رهبر جامعه اسلامی گاه برای حفظ خانواده و جامعه ناگزیر است در تعاملات خود با اجتماع انسانی از حق خود گذشته تا امور اسلامی سامان یابد، اما خداوند متعال برای حفظ قوانین اسلامی در سطوح عالی و کل جامعه اسلامی، از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد که از حق خود کوتاه نیامده و با قدرت و صلابت در مقابل فشارهای اجتماعی استقامت ورزد و بداند که در اجرایی کردن فرمان‌های الهی، خداوند متعال و کارگزاران الهی پشتیبان او هستند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

توجه به قدرت الهی و حاکم اسلامی در جامعه، موجب حفظ قدرت برای مؤمنان در تقویت ایمان و حفظ خانواده و اجتماع شده و مجازات مجرمان، حفظ جامعه را در پی دارد که آینده حکومت اسلامی با اجرایی کردن این فرمان‌ها حفظ می‌شود و در نهایت با عذاب کافران و پاداش مؤمنان به سرانجام می‌رسد.

منابع

***قرآن کریم**

۱. ابن‌درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، **جمهرة اللغة**، بیروت: دار العلم للملایین.

۲. ابن‌سعد، محمد بن سعد بن منیع، ۱۴۱۰ق، **الطبقات الکبری**، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۳. ابن‌فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

٤. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.

٥. احمد بن حنبل، بی‌تا، **مسند احمد بن حنبل**، تحقیق شعیب الأرنؤوط و عادل مرشد، بیروت: مؤسسة الرسالة.

٦. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، **صحیح البخاری**، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.

۸. پارسایی، تهمینه، ۱۳۹۱ش، »**علوم قرآن و حدیث**«، *نشریه مشکوة*، شماره ۱۱۵.

۹. جرجانی، عبدالقاهر، ۱۹۹۷م، **دلائل الاعجاز فی علم المعانی**، شرح و تعلیق محمد التنجی، بیروت: دار الکتب العربی.

۱۰. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، ۱۴۲۲ق، **اسرار البلاغه فی علم البیان**، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، **الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه**، محقق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۱۲. درویش، محی‌الدین، ۱۴۱۵ق، **اعراب القرآن الکریم و بیانه**، سوریه: الارشاد.
۱۳. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ۱۴۱۲ق، **ارشاد القلوب الی الصواب**، قم: الشریف الرضی.
۱٤. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت: دار القلم.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتاب العربی.
۱٦. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۷. شرتونی، رشید، ۱۳۸۷ش، **مبادی العربیة فی الصرف و النحو**، قم: دار العلم.
۱۸. صاحب، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، **المحیط فی اللغة**، محقق محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
۱۹. صافی، محمود، ۱۴۱۸ق، **الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه**، دمشق: دار الرشید.
۲۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، **سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد**، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مصحح فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصرخسرو.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفة.
۲٤. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، محقق احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۲۵. عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ق، **الفروق فی اللغة**، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
۲٦. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت.
۲۷. فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹ش، **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم: موسسه دار الهجرة.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۲۹. قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، **تفسیر قمی**، قم: دارالکتاب.

۳۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، **تفسیر فرات کوفی**، محقق محمد کاظم، تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی.

۳۲. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۳۳. مطلوب، احمد، بی‌تا، **معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها**، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.

۳٤. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، **فرهنگ معین**، تهران: زرین.

۳۵. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، محقق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۳٦. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، **اسباب النزول**، محقق کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۳۷. هاشمی، سید احمد، ۱۳۸۱ش، **جواهر البلاغه**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۳۸. یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۸۳ش، **گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی**، تهران: هرمس.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]